



تحمیل جنگ اقتصادی برای تدارک خیابانی

بررسی اعتراف بی سابقه وزیر خزانه داری آمریکا در اجلاس داووس

سرمقاله

اقتصادی؛ تولید نارضایتی اجتماعی؛ آشوب میدانی؛ تحریم و تهدید بیشتر. آنچه در داووس بیان شد، در واقع اعتراف رسمی مسئول تروریسم اقتصادی ایالات متحده علیه ملت ایران است. امروز کشورهای استکباری -به‌ویژه آمریکا- از یک سو عملاً از ابزارهای اقتصادی اسلحه ساخته و جنگ را تا متن زندگی روزمره‌ی مردم امتداد می‌دهند و از دیگر سو با تبدیل رسانه به سلاح، رسماً جای شهید و جلاد را عوض می‌کنند و خود را حامی بهبودوضع معیشتی مردم معرفی می‌کنند. مقابله با این رویه نیز نباید صرفاً به مواجهه‌ی نظامی و امنیتی تقلیل پیدا کند، بلکه ضروری است مسئولان با تلاشی دوجندان بر تقویت تاب‌آوری اقتصادی، اجتماعی و رسانه‌ای جامعه تمرکز داشته باشند. آگاهی عمومی درباره سازوکار این جنگ‌ها، خود نوعی مقاومت آگاهانه است. آنچه اکنون اهمیت دارد، اولاً هوشمندی جامعه در مواجهه با این «جنگ ترکیبی» است و در ثانی تلاش دوبرابر مسئولان برای خنثی سازی تروریسم اقتصادی آمریکا علیه ملت ایران. اقتصاد ایران، اقتصادی مقاوم است. بخش خصوصی قوی، تولید و صادرات غیرنفی قابل توجه و تغییر نظم اقتصادی جهان (انتقال ثروت از غرب به شرق)، امکان‌هایی را پیش روی ایران قرار داده است که دست مسئولان را برای مقابله با این تروریسم اقتصادی و جنگ ترکیبی باز می‌گذارد. در کشوری که خود را مصداق سنت‌های الهی قرار داده است، بن بسنی وجود ندارد؛ «إِنَّ تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ» ■

در چنین الگویی، اقتصاد تنها ابزار آغازگر است. مرحله بعد، میدان رسانه و شبکه‌های اجتماعی است که در آن با بزرگ‌نمایی مشکلات، تحریف واقعیت‌ها و انتشار روایت‌های هیجانی، بر شیپور شکاف میان مردم و حاکمیت می‌دمند. در همین حال، گروه‌های تروریستی سازمان‌یافته وارد میدان می‌شوند تا اعتراض را از مسیر مطالبه مدنی به خشونت خیابانی سوق دهند. حضور سازمان‌یافته‌ی عوامل رژیم صهیونیستی در آشوب‌های اخیر را اگر ایران اعلام می‌کرد، شاید افرادی باور نمی‌کردند اما جالب اینکه این واقعیت نیز اعتراف رسمی یک وزیر رژیم اسرائیل است. آمیخای الیاهو -وزیر راست‌گرای افراطی رژیم- در گفتگو با رادیو ارتش اسرائیل گفت که این رژیم در طول جنگ ۱۲ روزه با ایران در ژوئن سال گذشته از عوامل میدانی استفاده کرده است و افزود که عوامل مشابهی در بحران فعلی ایران فعال هستند. در مرحله نهایی، همان کشورهای استعماری که به دروغ خود را «دلسوز مردم ایران» معرفی می‌کنند، به بهانه دفاع از حقوق بشر با حمایت از جامعه مدنی، تحریم‌های تازه‌تری اعمال می‌کنند؛ تحریم‌هایی که سفره‌ی مردم و چرخه تولید کشور را هدف قرار می‌دهند. ادعای اعمال تعرفه‌ی ۲۵ درصدی بر شرکای تجاری ایران که ترامپ درست بعد از فروکش کردن آتش فتنه در خیابان‌های ایران آن را مطرح کرد، مصداقی از این تحریم‌ها است. به این ترتیب، چرخه‌ی «جنگ ترکیبی دشمن» تکمیل می‌شود؛ فشار

اجتماعی، و سپس مدیریت بیرونی اعتراض‌ها به سمت آشوب برای برهم زدن ثبات سیاسی. این دقیقاً همان چیزی است که بیش از یک دهه پیش، رهبر انقلاب در خصوص آن هشدار داده بودند. ایشان در سخنرانی‌های نوروزی سال‌های ۱۳۹۳ و ۱۳۹۴ در حرم مطهر رضوی به روشنی گفتند که طراحان سیاست خارجی آمریکا هدف تحریم‌ها را نه برنامه هسته‌ای یا موضوعات امنیتی، بلکه «کشاندن مردم به خیابان در اعتراض به دولت و نظام» اعلام کرده‌اند. آن روزها شاید برخی از افراد خوش بین به غرب تصور می‌کردند این نوع سناریوها اغراق آمیز یا بدبینانه است، اما امروز همان واقعیت پشت پرده، کاملاً آشکار در مجمع جهانی اقتصاد در داووس، از زبان بالاترین مقام مالی آمریکا، عیناً بازگو می‌شود. تحریم، چنان‌که در داووس اذعان شد، نه ابزاری برای تغییر رفتار دولت‌ها، بلکه ابزاری برای تحت فشار گذاشتن مردم است تا از مسیر رنج اقتصادی، به ابزار اجرای اهداف سیاسی کشورهای استعمارگر بدل شوند. وقتی یک مقام آمریکایی علناً می‌گوید هدف، تحریک مردم برای حضور در خیابان‌ها بوده است، در واقع از برنامه‌ای سخن می‌گوید که لایه به لایه طراحی شده است: ابتدا فشار اقتصادی برای فرسایش معیشتی؛ سپس پوشش رسانه‌ای متمرکز بر ناامیدی اجتماعی؛ و در نهایت، بهره‌برداری از بستر اعتراض‌ها برای ایجاد خشونت و آشوب. هدف بلندپدیدن کشورهای مستقل و در مسیر اقتدار و پیشرفت است.

در اجلاس اخیر داووس، وزیر خزانه‌داری ایالات متحده با صراحتی کم‌سابقه از مسیر راه‌اندازی آشوب در ایران و راه‌اندازی جنگ خیابانی سخن گفت. او مدعی شد که این سیاست نه تنها اقتصاد ایران را تحت فشار قرار داده بلکه به شکل‌گیری تحولات داخلی و بروز اعتراض‌ها در کشور منجر شده است. او با افتخار از «مشکلات اقتصادی در ایران»، «(رابطه‌ی مشکلات اقتصادی با ناآرامی‌ها) و (تحریم‌های جدید) سخن گفت و این همه را نشانه «نمونه‌ای موفق از رسیدن آمریکا به اهداف استراتژیک از طریق ابزارهای مالی» دانست. این اظهارات، در واقع، گزارش فشرده‌ای است از چگونگی تبدیل تحریم اقتصادی به سلاح سیاسی در خدمت تغییر ساختارهای داخلی یک کشور مستقل. در نگاه نخست، شاید چنین اظهاراتی تنها نوعی بیانیه‌خوانی سیاسی به‌نظر برسند اما در واقع نشانه‌ای روشن از استراتژی «جنگ ترکیبی» آمریکا هستند. وقتی کشوری با خوی استکباری -نظیر آمریکا- ریسک و هزینه‌ی حمله‌ی مستقیم نظامی را بالا می‌بیند، با ترکیبی از فشار اقتصادی، عملیات روانی، تحریک اجتماعی و روایت‌سازی رسانه‌ای به جنگ ملتی که خواهان استقلال و پیشرفت است می‌آید. هدف چنین جنگی نه دولت‌ها و حکومت‌ها بلکه تمام یک دولت-ملت است. اعترافات وزیر خزانه‌داری ایالات متحده در داووس عملاً اعلام رسمی همین تاکتیک است: ایجاد تنگنای معیشتی، تبدیل فشار اقتصادی به نارضایتی

ﷻ الله اکبر! این صدای ملت قهرمان ایران است.

ما ملت امام حسینیم. ما ملت شهادتیم. ما چون رهبری مثل سیدعلی خامنه‌ای را داریم قوی هستیم. دلمان به بودنش قرص است.

سید علی
 این صدای ملت قهرمان ایران است

بازی خوانی

هوشیاری در برابر دشمن سپر دفاع از انقلاب

■ دفاع از جامعه‌ی انقلابی، همیشه یک واجب ضروری و اهم است؛ چون تهدید علیه جامعه‌ی انقلابی یک چیز تقریباً دائمی است.

تهدید دائمی است -نمیگوییم جنگ دائمی است- تهدید هست؛ بسته به این است که این ملت چطور در مقابل تهدیدها خود را نشان دهد و آمادگی خود را در چه حدی حفظ کند. اگر ملت انقلابی آمادگی خود را همیشه حفظ کرد یعنی اگر جوانها عضویت در بسیج و کار در میدان تمرین و آموزش را برای خودشان همیشه نگه داشتند، اگر مردم روحیه‌ی دفاع را برای خودشان حفظ کردند، اگر چهره و قیافه‌ی جامعه طوری بود که هر کس نگاه کرد احساس کرد ملت آماده است و در حال استعداد دفاع از کشور است- تهدیدها عملی نخواهد شد و ثبّت دشمن به تحقق نخواهد پیوست. اما اگر وضع جامعه آن چنان بود که هر کس به آن نگاه کرد، فهمید که این جامعه قادر به دفاع از خود نیست، آن جامعه که افراد مؤثر در آن جامعه نسبت به مصالح انقلاب و مصالح کشور بی‌اعتنا می‌شوند، چنین جامعه‌ای نمی‌تواند از مصالح خود، از شرف و حیثیت خود دفاع کند. ۱۳۶۸/۰۷/۰۵

روایت شاهدان جهانی از تخریب‌گری گروه‌های تروریستی

■ خبرنگاران رسانه‌های خارجی از امکان آسیب‌دیده توسط اغتشاشگران و گروه‌های تروریستی، بازدید کردند.



عکس: خبرنگاری صداوسیما

قاب

فرزند ایران

نجیب و متواضع

■ مرد خودش را به پشتی صندلی چسبانده و بند ساعتش را بارها باز و بسته می‌کند: «برادرم شصت و دو سال داشتند. خیلی نجیب و با حیا بودند. حتی با افراد کوچک‌تر از خودشان هم که جای بچه‌هایش بودند با ادب و احترام رفتار می‌کردند. متواضع و مردم‌دار بودند. آقا غلامرضا تکواندوکار حرفه‌ای بودند. به شدت اهل توسل به قرآن و اهل بیت بودند. در هیئت‌های مذهبی و ایام محرم، میان‌دار بودند. شب و روز نشان وقف هئیت می‌شد.» مرد به ساعتش نگاه می‌کند. روی صندلی جابه‌جا می‌شود. بغضش را قورت می‌دهد و می‌گوید: «برادرم غلامرضا اوجانی، سرهنگ بازنشسته سپاه بودند. ولی بعد از بازنشستگی هم، بدون هیچ چشم‌داشتی همچنان به سپاه می‌رفتند و همکاری می‌کردند. آقا غلامرضا در جنگ دفاع مقدس مسئول پرسنلی گردان حضرت علی اکبر بودند. در عملیات‌های والفجر پنج و کربلای پنج جانباز شدند. برادرم حمیدرضا هم سال شصت و پنج شهید شد. آقا غلامرضا همیشه آرزوی شهادت داشتند تا اینکه صبح دوم تیرماه که رژیم صهیونی به سپاه امام حسن مجتبی ﷺ کرج حمله کرد برادرم به آرزوی همیشگی‌شان رسیدند و شهید شدند. مزارشان در امامزاده محمد شهر کرج است.» ﷻ سیده اعظم الشریعه موسوی